

همت و کار مضاعف در شعر پروین اعتصامی

معرفی اجمالی پروین اعتصامی

در زمستان سال ۱۲۸۵ شمسی، در خانه یوسف اعتصامی در شهر تبریز، دختری چشم به عرصه جهان گشود که در میدان ادب و حکمت، گوی سبقت را از همبازی‌های زمان خود دربرود و همچون ستاره‌ای درخشان، در آسمان ادب پارسی درخشید و نامش همچون ادیبان کهن ادب پارسی - سعدی و حافظ و مولانا و دیگر ستارگان پرفروغ ادب - بر پهنای آسمان ادب ایران نورافشانی کرد و در دل‌ها و یادها جاودانه و ماندگار شد (برزان، ۱۳۸۴: ۳۱).

پروین اعتصامی از شاعران زن ایرانی و بلندآوازه‌ترین ایشان است که زندگی پربار، شخصیت و اندیشه والای او و نیز وجود معانی بلند در سروده‌هایش، او را از جایگاهی ممتاز در ادب فارسی برخوردار کرده است (دیانت، ۱۳۸۳: ۶۱۱). در تاریخ ادب فارسی، پروین اعتصامی در میان زنان سخنور، شاعری یگانه است و پایگاه وی در شعر، از بسیاری از مردان شاعر نیز بالاتر است (یوسفی، ۱۳۶۹: ۴۱۳). علامه قزوینی در تقریظ مختصری که بر دیوان پروین می‌نویسد، وی را «خنساء عصر» و «رابعه دهر» می‌خواند (زرین کوب، ۱۳۷۲: ۳۷۲). دیوان وی، گنجینه‌ای گرانبه‌ای از حکمت‌ها و دستورهای اخلاقی ناب و متعالی اسلامی - انسانی است و الگویی ارزشمند و گرانمایه برای رسیدن به کمال آدمی به شمار می‌آید. با جست‌وجوی دقیق در دیوان پروین، به یقین می‌توان گفت: در اشعار او هیچ قصیده یا قطعه‌ای بدون اهداف عالی اخلاقی نیامده است. چنان که از اشعار او برمی‌آید، او زنی مسلمان و مؤمن است که سمند تیزپای شعر خود را، مثل دیگر شاعران، در هر وادی به تاخت در نمی‌آورد، هرگز به دنبال هزل و تفنّن نیست و جز برای مفاهیم عالی و اخلاقی و انسانی شعر نمی‌گوید (سبزیان پور، ۱۳۸۴: ۱۶۵).

ارزش کار و همت مضاعف در قرآن مجید و فرهنگ اسلامی

اگر نگاهی ژرف و دقیق در فرهنگ قرآنی و تعلیم اسلامی بیندازیم، به اهمیت نام‌گذاری امسال به سال «همت مضاعف و کار مضاعف» بیشتر واقف می‌شویم. در قرآن کریم، آیات بسیاری در خصوص تلاش و اهمیت کار

دکتر وحید سبزیان پور*

زهره باقری**

جهد را بسیار کن، عمر اندکی ست
کار را نیکو گزین، فرصت یکی ست
گرچه اندر دیده و دل نور نیست
تا نفس باقی ست، تن معذور نیست

(پروین اعتصامی)

چکیده

پروین اعتصامی از شاعران عصر مشروطیت است که اندیشه ناب خود را در خدمت مسائل اجتماعی و اخلاقی هم‌عوانش قرار داد. دیوان پروین سرشار از حکمت‌های ارزشمند و خردمندانه‌ای است که از فرهنگ غنی اسلامی و ایرانی الهام گرفته است. با عنایت به اینکه سال کنونی، در تعبیر خردمندانه مقام معظم رهبری، سال همت مضاعف و کار مضاعف نام‌گذاری گردید، بر آن شدیم که این موضوع بااهمیت را که در تعالی فرد و جامعه، نقشی بنیادین و اساسی دارد، در دیوان پروین بررسی نماییم و با اشاره به مضامین اسلامی و ایرانی در این خصوص، سرچشمه‌های فکر و اندیشه این شاعر بزرگ را نشان دهیم، بدان امید که مردم بلندهمت و سرفراز ایران، انگیزه و تلاش خود را در راه ساختن جامعه‌ای آرمانی و ایدئال، چند برابر نمایند.

واژه‌های کلیدی: همت مضاعف و کار مضاعف، پروین اعتصامی، تلاش، ایران باستان.



وجود دارد؛ از جمله: سوره نجم، آیه ۳۹ می‌فرماید: «وَأَنْ لَّيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى»؛ و نیست برای انسان مگر آنچه سعی و تلاش نموده است؛ نیز در آیه ۴۰ همان سوره آمده است: «وَأَنْ سَعِيَهُ سَوْفَ يُرَى»؛ و البته نتیجه سعی و عمل آدمی به زودی دیده خواهد شد.

دیدیم که خداوند متعال واژه «سعی» را صراحتاً به کار برده و افراد را به تلاش فراخوانده است تا انسان‌ها با کوشش و پرهیز از تنبلی، نتیجه و عاقبتی نیکو داشته باشند.

از دیگر آیاتی که مفهوم تلاش و عمل را در بر دارد، می‌توان به آیه ۶۹ از سوره مبارکه عنکبوت اشاره کرد: «وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا»؛ آنهایی که در راه ما با خلوص نیت جهاد کنند، قطعاً به راه‌های خود هدایتشان خواهیم کرد. با عمیق شدن در مفهوم این آیه، به این مهم می‌رسیم که خداوند، مجاهدان و تلاشگران را به راه راست هدایت می‌کند، و چه ارزشی بالاتر از رسیدن به هدایت و رهایی از ضلالت؟

آیات ۱۰ و ۱۱ از سوره مبارکه صف نیز یکی از راه‌های رهایی از عذاب الهی را جهادگری در راه خداوند معرفی می‌کند و می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا هَلْ أَدُلُّكُمْ عَلَى تِجَارَةٍ تُنْجِيَكُمْ مِنْ عَذَابِ أَلِيمٍ؟» ای کسانی که ایمان آوردید، آیا شما را به تجارتی دلالت کنم که از عذاب الیم رهایی می‌بخشد؟ «تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ وَتُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ ذَٰلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ»؛ به خدا و رسول او ایمان بیاورید و در راه خداوند با اموال و جان‌هایتان جهاد کنید. این برای شما بهتر است.

برای ترسیم اهمیت کار و تلاش در مکتب اولیا و بزرگان دین، شایسته است نمونه‌ای، هرچند مختصر، از کلام نورانی حضرت علی (ع) نقل کنیم. ایشان ارزش آدمی را به قدر همتش معرفی می‌نمایند و می‌فرمایند: «قَدَّرَ الرَّجُلُ عَلَى قَدْرِ هِمَّتِهِ، وَ صَدَقَهُ عَلَى قَدْرِ مَرْؤَتِهِ وَ شَجَاعَتُهُ عَلَى قَدْرِ أَفْتِهِ وَ عَفَّتْهُ عَلَى قَدْرِ غَيْرَتِهِ» (نهج البلاغه، حکمت ۴۷)؛ ارزش مرد به همت اوست و راست‌گویی او به میزان جوانمردی‌اش و شجاعت او به قدر ننگی است که احساس می‌کند، و پاکدامنی او به اندازه غیرت اوست. در جای دیگر نیز صبر و متانت را از نشانه‌های همت‌بلندان معرفی می‌کنند: «الْحِلْمُ وَالْإِنَاءُ تَوَامُلَانِ يُنْتَجِعُهُمَا عُلُوُّ الْهِمَّةِ» (نهج البلاغه، حکمت ۴۶۰)؛ بردباری و وقار، دو همزادند که از بلندی همت زاده می‌شوند.

به امید آنکه با استفاده از کلام نورانی وحی و فرهنگ غنی اسلام و با تأسی از امامان معصوم (ع)، فرهنگ ناب اسلامی را در وجود خود و جامعه تقویت و نهادینه‌نماییم.

اهمیت کار و تلاش در ایران باستان

در منابع عربی، ۹ عبارت حکیمانه که بر عصای ساسان حک شده بود، نقل شده است. این امثال، همگی در جهت تشویق به حرکت و تلاش و دوری از تنبلی و تن‌پروری است و با عصا - که وسیله حرکت است - نوعی تناسب دارد.

۱. برکت در حرکت

«الحرکت بركة» (آبی، ۱۹۸۷: ۳۳۴/۵؛ زمخشری، ۱۴۱۲: ۳۹۹/۳)؛ ترجمه: برکت در حرکت است.

جاحظ (۱۹۶۹: ۹۵) جمله فارسی «هر که رود، چرد و هر که خسبد، خواب ببند»^۱ را از توقیعات انوشیروان دانسته و معادل آن را به شکل «مَنْ سَعَى، رَعَى وَ مَنْ لَزِمَ الْمَنَامَ، رَأَى الْأَحْلَامَ» نقل کرده است. این مضمون در ادب عربی به شکل «الْبَرَكَاتُ فِي الْحَرَكَاتِ» (یوسی، ۱۹۸۱: ۲۱۳/۱) نیز آمده است.^۲

۲. تنبلی موجب سرزنش

«التواني هلكة و الكسل شؤم و التواني زاد العجزة» (آبی، ۱۹۸۷: ۳۳۴/۵؛ زمخشری، ۱۴۱۲: ۳۹۹/۳)؛ ترجمه: تنبلی، هلاکت است؛ کسالت، شوم، و ناتوانی توشه افراد ناتوان است.

یک نمونه از ادب فارسی

که چون کاهلی پیشه گیرد جوان

بماند منش پست و تیره روان (فردوسی، نقل از دهخدا، ۱۳۷۰: ۱۱۵)

۳. اهمیت نشاط و حرکت

«کلب طائف خیر من أسد رابض»^۳ (آبی، ۱۹۸۷: ۳۳۴/۵؛ زمخشری، ۱۴۱۲: ۳۹۹/۳)؛ ترجمه: سگ راه‌رونده بهتر از شیر نشست‌ه است.

۴. فقر، نتیجه تنبلی و ناتوانی

«من العجز و التواني نتجت الفاقة» (زمخشری، ۱۴۱۲: ۳۹۹/۳؛ آبی، ۱۹۸۷: ۳۳۴/۵)؛ ترجمه: ثمره ناتوانی و تنبلی، فقر است.

۵. آرزو، سرمایه ناتوان

«لأمل زاد العجزة» (آبی، ۱۹۸۷: ۳۳۴/۵)؛ ترجمه: آرزو، توشه افراد ناتوان است.

نمونه‌ای از ادب فارسی

عقل دست و زبان کوتاه خوان

آرزو رأس مال مفلس دان (سنایی، نقل از دهخدا، ۱۳۷۰: ۲۹)

۶. شغل و حرفه

«من لم یحترف، لم یعترف» (آبی، ۱۹۸۷: ۳۳۴/۵)؛ ترجمه: هر کس حرفه‌ای نداشته باشد، خوراک و روزی ندارد.

۷. جوینده یابنده است

«من طلب، جلب و من جال، نال» (آبی، ۱۹۸۷: ۳۳۴/۵؛ حریری، ۱۳۹۸: ۴۰۷)؛ ترجمه: هر کس بخواهد، دست می‌یابد و هر کس برود، می‌رسد.

سایه حق بر سر بنده بود

عاقبت جوینده یابنده بود (فروزانفر، ۱۳۸۵: ۷۰)

۸. تنبلی، موجب بدبختی

«إِيَّاكَ وَ الْكَسْلَ، فَإِنَّهُ عُنَاؤُ النَّحُوسِ وَ لَبُوسُ ذَوِي الْبُوسِ وَ مِفْتَاحُ الْمَتَرَةِ وَ لِقَاحُ الْمَتَعَةِ وَ شِيمَةُ الْعَجْزَةِ الْجَهْلَةِ» (آبی، ۱۹۸۷: ۳۳۴/۵)؛ ترجمه: از تنبلی به دور باش؛ زیرا تنبلی سبب بدبختی و لباس افراد بدبخت و کلید خاک‌نشینی و عامل رنج و شیوه افراد ناتوان و نادان است.

۹. راحت‌طلبی، موجب محرومیت

«و ما اشتار العسل من اختار الكسل و لا ملاً الراحة من استوطأ الراحة» (آبی، ۱۹۹۰: ۳۳۴/۵)؛ ترجمه: کسی که تنبلی را برگزیند، عسل برداشت نمی‌کند و کسی که راحتی را بطلبد، به آسایش نمی‌رسد.

علاوه بر ۹ پند بالا، که بر عصای ساسان حک شده بود، به موارد دیگری از این دست اشاره می‌کنیم؛ از جمله:

۱. فقر، نتیجه تنبلی

انوشروان: «ثمرَةُ التَّوَانِي الْفَاقَةُ وَالضَّرُّ» (ابن مسکویه، بی تا: ۵۴)؛ ترجمه: نتیجه تنبلی، فقر و زیان است.

«درخت کاهلی بارش گرسنگی است» (دهخدا، ۱۳۷۰: ۱۱۹).

۲. کار برای جوان

«قَبِيلُ لَانُوشِرَوَانَ: أَيْ شَيْءٌ أَحَقُّ أَنْ نَجْتَهِدَ فِيهِ فِي الصَّبَا وَفِي الشَّبَابِ وَفِي كُلِّ حِينٍ؟ قَالَ: أَمَا فِي الصَّبَا فَالْتَّادِبُ، وَ أَمَا فِي الشَّبَابِ فَالْعَمَلُ، وَ أَمَا فِي كُلِّ حِينٍ فَاجْتِنَابُ الذُّنُوبِ» (ابی، ۱۹۹۰: ۷۷/۷)؛ ترجمه: به انوشروان گفته شد: در کودکی، جوانی و در همه حال، در چه کاری لازم است تلاش کنیم؟ در جواب گفت: در کودکی ادب، در جوانی کار و در همه اوقات دوری از گناه.

۳. تلاش بی موقع

«مِنْ قَوْلِ بَزْرْغَمَهَرٍ: إِنَّ شَرَّاً مِنَ التَّوَانِي الْإِجْتِهَادُ فِي غَيْرِ حِينِهِ» (بیبهقی، ۱۳۹۰، ۴۷۶؛ جاحظ، ۱۹۸۳، ۶۵)؛ ترجمه: بدتر از تنبلی، تلاش بی موقع است.

۴. تلاش در مسیر حق

«قَالَ مَنْ أَحَقُّ بِالظُّفَرِ؟ قُلْتُ: الْمَجَاهِدُ عَلَى الْحَقِّ» (ابن مسکویه، بی تا: ۳۴)؛ ترجمه: [از بزرگمهر سؤال شد] چه کسی سزاوارتر به پیروزی است؟ گفتم: تلاشگر در راه حق.

کار و تلاش مضاعف در دیوان پروین

پروین، جوهر هستی را کار و تلاش می‌داند. او همه ذرات آفرینش را در تلاش می‌بیند. در دیدگاه پروین، حرکت و جنبش هر چیزی، هماهنگ با نظام آفرینش و حقیقت مطلق است؛ مور و گنجشک و عنکبوت و مرغ و کبوتر، تا قطره و ذره، همه در تکاپو هستند. تسبیح و تنزیه حق، در همه جا و همه چیز جاری است. کار یک عنکبوت، تقدس دارد؛ او برای خدا تار می‌تند: «عنکبوت جولای خداست». دین و آیین حق، از همه می‌خواهد که تکاپو کنند: «دین از تو کار خواهد و کار از تو راستی»، و به این سبب است که دنیا میدان همت است، نه خوابگاه. تنبل و تن‌پرور، بی‌مقدار است و جز پشیمانی و ندامت، حاصلی ندارد. بزرگی و عزت آدمی، در کار است و کار، عامل رستگاری است: «جوینده همیشه رستگار است»؛ بنابراین وی برای به حرکت درآوردن نیروی کار و حرکت در اطرافیان، از تلاش همه مخلوقات - از مور و گنجشک و عنکبوت و مرغ و کبوتر گرفته، تا قطره و ذره - سخن گفته و همه موجودات را به نوعی در تکاپو و انجام وظیفه می‌داند؛ لذا آدمی را که احسن و اکمل مخلوقات است، شایسته تنبلی و بیکاری نمی‌داند:

نشاید که بی کار مانیم ما

چو یک قطره و ذره بی کار نیست (۲۹۰/۱۶)

همه جا توصیه به کار و تلاش است: «چو وقت کار شود، باش چابک اندر کار». فرصت را نباید از دست داد: «زمان کار نباید به کنج خانه خزید»؛ زیرا از دست دادن فرصت و کاری که زمان آن از دست رفته، بی‌فایده و بیهوده است: «به وقت کار باید کرد تدبیر». معلوم نیست فردایی برای جبران وجود داشته باشد: «گر که فردایی نباشد، چون کنیم؟». پس باید امروز به تکاپو افتاد: «رو کار کن اکنون که وقت کار است».

از همه مهم‌تر این است که هر چیزی در مسیر حرکت خود هدف‌دار و هدفمند است: «قطره‌های کز جویباری می‌رود/ در پی انجام کاری می‌رود». از

هر کس و هر چیز وظیفه‌ای خواسته شده است؛ کسی نمی‌تواند بگوید کار من بی‌ارزش است: «اَبَر و باد و مه و خورشید و فلک در کارند». تا نظام هستی به گردش درآید، یک ذره نباید نادیده گرفته شود: «چون کار هستی به سزاوار داده‌اند/ از کار دهر همین کارمان سزاست». در دیوان پروین، کار، رفوی اوقات پاره است؛ کار صدفی است که حاصل آن، مروراید است؛ شادابی و شکوفایی باغ، از سعی باغبان است.

این مقاله، علاوه بر مقدمه بالا با عنوان «کار و تلاش در فرهنگ اسلامی و ایرانی» دارای ۳ بخش است:

در بخش اول، به بیان تعابیر و مفاهیم مربوط به همت و کار مضاعف می‌پردازیم؛ در بخش دوم به تمثیل‌ها و نمادهای حیوانی کار و تلاش اشاره می‌نماییم و در بخش سوم به تصاویر پروین از کار و همت پرداخته‌ایم. نیز در پی‌نوشت به مضامین و تمثیل‌های مشابه که در نهج البلاغه حضرت علی (ع) آمده و به شکل مستقیم یا غیر مستقیم در اندیشه پروین اثر گذارده است، اشاره می‌کنیم.^۴

در این پژوهش، ابیات دیوان پروین را از چاپ حسن برزاق نقل کرده‌ایم که عدد سمت راست در پراوتر، نشان‌دهنده شماره بیت و عدد سمت چپ، نمایانگر شماره صفحه است.

۱. موضوعات و مضامین مربوط به همت و کار و تلاش

۱-۱. کار و تلاش، جوهر هستی

پروین برای به حرکت درآوردن نیروی کار و حرکت در اطرافیان، از تلاش همه مخلوقات - از مور و گنجشک و عنکبوت و مرغ و کبوتر گرفته، تا قطره و ذره - سخن می‌گوید و همه موجودات را به نوعی در تکاپو و انجام وظیفه می‌داند؛ لذا آدمی را که احسن و اکمل مخلوقات است، شایسته تنبلی و بیکاری نمی‌داند:

نشاید که بی کار مانیم ما

چو یک قطره و ذره بی کار نیست (۲۹۰/۱۶)

۱-۲. گام برداشتن به سوی کار

این شاعر والامقام، افراد را بار دیگر به حرکت به سمت کار و فعالیت فرا می‌خواند:

بگشای، گر که زنده‌دلی، وقت پویه چشم

بردار، گر که کارگری، بهر کار گام (۱۳۴/۱۱)

۱-۳. چابکی در کار و پرهیز از تنبلی

از دیگر توصیه‌های پروین در زمینه کار و تلاش به اطرافیان، چالاکی و نشاط در کار و پرهیز از خزیدن به کنج خانه در هنگامه کار و کوشش است:

چو وقت کار شود، باش چابک اندر کار

چو نوبت سخن آید، ستوده گوی کلام (۱۲۷/۲)

ز نزد سوختگان بی‌خبر نباید رفت

زمان کار نباید به کنج خانه خزید (۲۸۴/۱۴)

۱-۴. لزوم کاردانی و کارشناسی در کار

از عوامل مهم در کسب موفقیت، کاردانی و آگاهی از نوع کار است، که پروین با تعابیر «کاردانی»، «کارشناسی» و «رونق به کار»، این موضوع مهم را در ابیات زیر بیان می‌کند:

کار را کارگر نیک دهد رونق

چه کند کاهل نادان تن آسانش؟ (۱۲۰/۱۱)

گرچه دشوار بود کار و برومندی

همت و کارشناسی کند آسانش^۵ (۱۲۲/۱۹)

۵-۱. تا توان در بازوست، باید کار کرد:

بعضی از افراد تا زمانی که در سلامتی به سر می‌برند و از نیرو و توان برخوردارند، از کار و تلاش غافلند. پروین در بیت زیر این مسئله را با یک استفهام بلاغی، در معنای توبیخ بیان می‌کند و بر مخاطب نهیب می‌زند که تا فرصت و توان دارد، باید کار کند:

چرا تا زَر و دارویت هست، از درد بخروشی؟

چرا تا دست و بازویت هست، از کار وامانی؟ (۱۵۰/۴)

۶-۱. نکوهش از دست دادن فرصت کار و کوشش

شاعر با اشاره به این نکته که روزگار، چون دزدی غارتگر، کالای عمر و سرمایه وجود آدمی را به تاراج می‌برد، از دست دادن فرصت‌ها و بی‌توجهی به کار و کوشش را نوعی همدستی با روزگار غارتگر می‌داند؛ که البته مال‌باخته این سود، کسی جز انسان تنبل نیست:

چه می‌دزدی از فرصت کار و کوشش؟

تو خود نیز کالای دزد جهانی (۱۵۳/۴)

۷-۱. تدبیر در کار

یکی دیگر از خصیصه‌های مهم در انجام کارها، تدبیر و خردمندی و برنامه‌ریزی و زمان‌بندی کارهاست؛ زیرا تلاشی ارزشمند است که بهنگام و بموقع باشد:

به وقت کار، باید کرد تدبیر

چه تدبیری چو وقت کار شد دیر؟ (۲۵۷/۱۴)

۸-۱. رابطه تن آسانی و مزد گرفتن

این، قانون طبیعت است که تنها افرادی را که تلاش می‌کنند، بهره‌مند می‌سازد. بدون شک، افرادی که سستی به خرج می‌دهند و از کار و همت بری هستند، در موسم مزد و پاداش، محروم و بی‌نصیب بر جای می‌مانند. شاعر با استفاده از صنعت بلاغی تضاد، رابطه دو سویه آسانی و تن‌پروری را با سختی و دشواری نتیجه آن، به خوبی به تصویر کشیده است:

آسان گذرد گر شب و روز و مه و سالت

روز عمل و مزد، بود کار تو دشوار (۲۴۲/۱۶)

۹-۱. رابطه تنبلی و بی‌مقداری

در جوامع بشری، شخص تنبل، بی‌ارزش و پست‌مقدار است. پروین نیز در بیت زیر، تن‌پروری را عامل بی‌ارزش شدن انسان می‌داند و سعی و تلاش وی را ستوده و ارزشمند معرفی می‌کند:

بگفت قدر کسی را نکاست سعی و عمل

خیال پرورش تن، ز قدر کاستن است (۳۴۰/۵)

۱۰-۱. ندامت و حسرت، نتیجه تنبلی

شاعر در بیت زیر، پشیمانی آدمی را در از دست دادن زمان و غرق شدن در آرزوهای باطل و در نهایت، محرومیت و خسران وی را به تصویر کشیده است: به وقت همت و سعی و عمل، هوس راندیم

به روز کوشش و تدبیر، آرزو کردیم^۶ (۳۴۰/۳)

۱۱-۱. کار امروز را به فردا نینداختن

از مسائل مهم در انجام کار، به‌روز بودن و انجام کار در وقت تعیین شده است. اهمیت این موضوع به اندازه‌ای است که پروین در چند جای دیوان خود، به این مسئله اشاره مستقیم و مؤکد داشته و افراد را از به تأخیر انداختن کارها بر حذر می‌دارد. وی با توجه به کوتاه بودن عمر آدمی، به افراد توصیه می‌کند که نقد امروز را از کف ندهند و به امید فردایی که آمدنش بر کسی آشکار نیست، تلاش در زمان حال را از دست ندهند. در این ابیات، کیفیت کار و همت مضاعف را درک می‌کنیم:

فردا ز تو ناید توان امروز

رو کار کن اکنون که وقت کار است (۸۲/۳)

گر بنایی هست، باید بر فراشت

ای بسا امروز کان فردا نداشت^۷ (۲۳۳/۹)

نقد امروز از ز کف بیرون کنیم

گر که فردایی نباشد، چون کنیم؟ (۲۳۳/۱۰)

چو کار تو امروز ماند به فردا

چه کاری کنی گر به فردا نمائی؟ (۱۵۲/۱۵)

جهد را بسیار کن، عمر اندکی ست

کار را نیکو گزین، فرصت یکی ست (۲۷۲/۱۲)

۱۲-۱. جوانی، عرصه کار و تلاش

پروین در ابیات زیر، در بیانی شیوا و رسا، جوانی را گاه تلاش و کار می‌داند و در بیت بعدی، سعی در زمان جوانی را توشه و ذخیره‌ای برای دوران پیری و سال‌خوردگی معرفی می‌کند:

جوانی گه کار و شایستگی ست

گه خودپسندی و پندار نیست (۲۸۹/۵)

هش دار، که توش و توان پیری

سعی و عمل موسم شباب است^۸ (۹۱/۱۸)

۱۳-۱. وظایف همگانی

در نظام آفرینش، هر چیز و هر کس وظیفه‌ای دارد که باید به خوبی انجام دهد تا چرخه حیات به گردش در آید. هیچ موجودی بی‌هوده خلق نشده است و جایگاهی ویژه در نظام هستی دارد و باید وظیفه خود را - هرچند به ظاهر کم ارزش است - به خوبی انجام دهد:

چون کار هر کسی به سزاوار داده‌اند

از کارگاه دهر، همین کارمان سزاست (۳۲۵/۷)

۱۴-۱. تلاش تا آخرین نفس

از دیدگاه پروین، حیات، مفهومی جز تلاش ندارد. تا لحظه‌ای که آثار حیات در وجود آدمی هست، جای هیچ عذر و بهانه‌ای برای فرار از کار و تلاش نیست:

گرچه اندر دیده و دل نور نیست

تا نفس باقی‌ست، تن معذور نیست (۲۷۲/۱۶)

۱۵-۱. توصیه دین به کار و تلاش

در ابیات زیر، پروین از زبان موری سخن می‌گوید که فرزند خود را از

تن آسانی بر حذر می‌دارد؛ نیز بیان می‌کند که دین و مسلک هم کار و تلاش را وظیفه آدمی می‌دانند:

اندرز کرد مورچه فرزند خویش را
گفت این بدان که مورتن آسان نمی‌شود (۱۱۱/۳)
دین از تو کار خواهد و کار از تو راستی
این درد با مباحثه درمان نمی‌شود (۱۱۱/۵)

۱-۱۶. سعی و تلاش، عامل رستگاری انسان

پروین راه نجات و رهایی آدمی از چاه ژرف و تیره و تار دنیا و رسیدن به رستگاری را تلاش و تکاپو می‌داند:
آن کس که از این چاه ژرف تیره
با سعی و عمل رست، رستگار است (۸۳/۶)
کوشنده همیشه رستگار است (۴۲۱/۱۸)

۱-۱۷. کار بزرگ و مضاعف برای مردان بزرگ

پروین در بیت زیر، بزرگی مقام افراد را در گرو بزرگی و اهمیت کاری که انجام می‌دهند، می‌داند و افرادی را که تنبلی خود را به حساب قضا و قدر و زمانه می‌گذارند، سرزنش می‌کند:
کسی بزرگ نگردد، مگر ز کار بزرگ
گر از تو کار نیاید، زمانه را چه گناه؟ (۳۵۲/۴)

۱-۱۸. زن و مرد، دو عنصر همت و تلاش در عرصه زندگی

پروین در قصیده «فرشته انس»، زن و مرد را دو عنصر سازنده و تلاشگر، در هنگام بروز مشکلات و سختی‌ها می‌داند:
به روز حادثه، اندر یم حوادث دهر
امید سعی و عمل هاست، هم از این، هم از آن (۳۳۹/۱۳)

۱-۱۹. جهان، میدان همت

پروین انسان‌ها را از تنبلی و غفلت از کار نکوهش می‌کند و جهان را عرصه‌ای برای کار و تلاش معرفی می‌کند:
مزدور خفته را ندهد مزد هیچ کس
میدان همت است جهان، خوابگاه نیست^۹ (۳۰۲/۱۴)

۱-۲۰. مکافات عمل

از باورهای عمومی که جنبه عقلانی و تجربی دارد و مورد تأیید همه ادیان است، این است که هر کنشی واکنشی دارد و افراد از عکس‌العمل کردار خود نمی‌توانند بگریزند. در آیه ۷ و ۸ سوره مبارکه زلزله، خداوند می‌فرماید: «فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ». پروین نیز همین عقیده را در بیت زیر بیان کرده است:

هرچه کنی کشت، همان بدروی
کار بد و نیک، چو کوه و صداست^{۱۰} (۳۰۸/۸)

۲. حیوانات تمثیل‌هایی برای کار و تلاش

در این بخش از مقاله، به نمادها و تمثیل‌های حیوانی می‌پردازیم، که پروین قصد دارد انسان‌ها را از طریق آنها به سمت کار و همت هدایت کند. در این ابیات، موجوداتی تمثیل کار و همت معرفی می‌شوند که سمبل تلاش و زحمت خستگی‌ناپذیر هستند.

۲-۱. عنکبوت، نماد همت و تلاش

پروین در قصیده‌ای به نام «جولای خدا»، مناظره‌ای از زبان کاهلی تن‌پرور و عنکبوتی تلاشگر ترسیم می‌کند. در این گفت‌وگو، شخص تن‌پرور، عنکبوت را به خاطر تلاش و زحمتش مورد تمسخر قرار می‌دهد؛ اما عنکبوت، که دوک همت را به کار انداخته و در راه حضرت دوست به تکاپو پرداخته و راه سعی و عمل را در پیش گرفته، تا فرصت باقی است، کار می‌کند. از همه مهم‌تر، عنکبوت را جولای خدا می‌نامد و کار و تلاش او راه در مسیر هستی و خلقت و آفرینش و در نهایت در راه خدا می‌داند؛ زیرا جهان را کارگاهی می‌داند که کارفرمایش خداست و این کارفرما جز به تلاش و کوشش راضی نمی‌شود. کارگاه جهان، چنان به هم پیوسته و متصل است که اگر عنکبوت به ظاهر بی‌ارزش از آن حذف شود، در حرکت آن اختلال پیش می‌آید. بدیهی است که اگر آدمی در این کارخانه عظیم، بیکار و بی‌هوده باشد، نقضی بزرگ در نظم و حرکت آن پیش می‌آید:

کاهلی در گوشه‌ای افتاد سست
خسته و رنجور، اما تندرست
عنکبوتی دید بر در گرم کار
گوشه‌گیر از سرد و گرم روزگار
دوک همت را به کار انداخته
جز ره سعی و عمل نشناخته
کاردانان کار زین‌سان می‌کنند
تا که گویی هست، چوگان می‌زنند
در تکاپویم ما در راه دوست
کارفرما او و کارآگاه اوست
ما زدیم این خیمه سعی و عمل
تا بدانی قدر وقت بی‌بدل
سعی کردیم آنچه فرصت یافتیم
بافتیم و بافتیم و بافتیم
می‌گرفتی گر به همت رشته‌ای
داشتی در دست خود سرشته‌ای
رنگ‌رز شو تا که در خم هست رنگ
برق شد فرصت، نمی‌داند درنگ
عنکبوت ای دوست، جولای خداست
چرخه‌اش می‌گردد، اما بی‌صداست (ابیات ۱ تا ۱۱، ص ۲۳۰ تا ۲۳۳)

۲-۲. همت گریه و کسب روزی

در قصیده‌ای به نام «کارآگاه»، پروین داستان گریه‌ای را به تصویر می‌کشد که در ابتدا از تلاش برای کسب معاش خود سر باز می‌زند، اما در ادامه به تلاش و دوری از تنبلی روی می‌آورد، تا شکم گرسنه‌اش را با همت و تلاش و استفاده از زمان، سیر کند. با اندیشه در قصایدی از این قبیل، خواننده متوجه می‌شود که گریه، تمثیلی از انسان است که تا تلاش نکند، از روزی و رفاه بهره‌ای نمی‌برد:

گریه چو آن همت و تدبیر کرد
آن شکم گرسنه را سیر کرد (۳۳۹/۳)



۲-۳. مرغ، تمثیلی از انسان تلاشگر

از دیگر مخلوقات خداوند، که برای کسب روزی خود در تلاش و تکاپوست، مرغ است. در واقع پروین، مرغ را تمثیل انسانی می‌داند که برای تحصیل معاش خود، به دنبال کار و تلاش است و با نغمه دل‌انگیز صبح، آهنگ کار و فعالیت سر می‌دهد؛ زیرا بدون سعی و تلاش، کسی به عافیت و راحت نمی‌رسد:

بی رنج کسی نیافت آرام

بی سعی نخورد مرغ دانه (۴۲۳/۷)

ای مرغک رام گشته در دام

برخیز که دام را گسستند (۴۲۱/۱۵)

بس چون تو پرندگان گمنام

جُستند ره خلاص و جُستند (۴۲۱/۱۶)

با کوشش و سعی خود سرانجام

در گوشه عافیت نشستند^{۱۰} (۴۲۱/۱۷)

۲-۴. مور

در فرهنگ اسلامی و ایرانی، مور، نماد تلاش، حرکت و کار و خستگی‌ناپذیری است. پروین نیز که در خانواده‌ای مسلمان و مذهبی رشد یافته بود، از این فرهنگ ناب بهره‌مند است. تعداد قصاید و ابیاتی را که پروین به مورچه و سعی و تلاش او اختصاص داده است، به حدی فراوان است که در این مجمل نمی‌گنجد؛ لذا ابیاتی چند را گلچین نموده‌ایم.

۲-۴-۱. مور، سمبل همت و استقامت

در قصیده‌ای تحت عنوان «مور و مار»، مور و مار با هم در گفت‌وگو هستند. مور نماد تکاپو و چابکی در کار است و مار نماد آسیب و خطر. در این ابیات، مور از افتادن هزاربارۀ خود ناامید نمی‌شود و به رغم سختی‌ها، شکایت از سختی کار و زحمت نمی‌کند و جز سعی و تلاش، وظیفه‌ای برای مورچگان تعریف نمی‌کند. این ابیات نمونه‌های زیبایی برای همت مضاعف و کار مضاعفند:

آن را که پای ظلم نهد بر سرت، بزَن

چالاک باش، همچو من اندر زمان کار (۴۰۸/۸)

من دانه‌ای به لانه کشم با هزار سعی

از پا درآورتم به ره اندر هزار بار (۴۰۸/۱۸)

از کار سخت خود نکنم هیچ شکوه، زانک

ناکرده کار می‌توان زیست کامکار^{۱۱} (۴۰۹/۱)

جز سعی نیست مورچگان را وظیفه‌ای

با فکر سیر و خفتن خوش مور را چه کار؟ (۴۰۹/۵)

۲-۴-۲. سلیمان و مور

داستان آموزنده حضرت سلیمان^{۱۲} و مور را بارها شنیده‌ایم. پروین نیز در ابیات زیادی، از این داستان قرآنی الهام گرفته است؛ مانند بیت زیر که حکایت از استقامت و تلاش مور دارد:

به راهی در سلیمان دید موری

که با پای ملخ می‌کرد زوری (۱۹۲/۱)

چنان بگرفته راه سعی در پیش

که فارغ گشته از هر کس جز از خویش (۱۹۲/۵)

۲-۴-۳. تلاش گنجشک و مور

اهمیت موضوع کار و تلاش، پروین را بر آن داشته است که در جای جای دیوان خود، به ترسیم کار و فعالیت مخلوقات بپردازد؛ از جمله در قصیده‌ای به نام «شب»، به هنگامه صبح و از سر گرفتن سعی و تلاش مور و گنجشک اشاره می‌کند:

ز سر بگرفت سعی و رنج خود مور

بشد گنجشک بهر دانه جستن (۲۹۸/۹)

۲-۴-۴. درس گرفتن از بردباری و تلاش مور

شاعر آدمی را به پند گرفتن از سعی و استقامت مور دعوت می‌کند و مور را به رغم جثه کوچکش، دارای همتی عالی می‌داند:

برو ز مورچه آموز بردباری و سعی

که کار کرد و شکایت ز روزگار نکرد (۲۳۴/۸)

و در جای دیگر می‌گوید:

به جایی که بار است بر پشت مور

برای تو این بار بسیار نیست (۲۹۰/۱۵)

۲-۴-۵. کوشش، ابزاری در دست مور

در مناظره‌ای بین «بلبل و مور» و در قصیده‌ای با همین عنوان، مور، بلبل را از تن‌آسانی و از دست دادن فرصت در زمان کار و کوشش، بر حذر می‌دارد و هیچ وقت دوش خود را بدون بار نمی‌داند:

از برای کار خود پایی بزَن

نوبت تدبیر شد، رایب بزَن (۴۰۳/۶)

زندگانی جز معمایی نبود

وقت، غیر از خوان یغمایی نبود

تا نپیمایی ره سعی و عمل

این معمّا را نخواهی کرد حل (۴۰۳/۹ و ۸)

نیست خالی دوش ما از بار ما

کوشش اندر دست ما افزار ما (۴۰۳/۱۱)

۲-۴-۶. مور و مگس، نماد اشتیاق در کار

در بیت زیر، پروین اعتصامی در تعبیری زیبا و رسا، مور و مگس را نمونه‌هایی از همت و کار معرفی می‌کند:

همچو مور اندر ره همت همی پا کوفتن

چون مگس، همواره دست شوق بر سر داشتن (۱۶۰/۱۱)

۲-۴-۷. استواری و همت، بالش و تکیه‌گاه مور

پروین در ابیات زیر، مور را به رغم کوچکی جثه‌اش، بلندهمت و پایدار در کار معرفی می‌کند:

با همه هیچی، همه تدبیر و کار

با همه خردی، قدمش استوار (۱۹۰/۵)

کار خود، ای دوست، نکو می‌کنم

پارگی وقت رفو می‌کنم (۱۹۱/۵)

شبچره داریم شب و روز چاشت



روزی ما کرد سپهر آنچه داشت (۱۹۱/۶)

سر نهاده‌یم به بالین کس

بالش ما همت ما بود و بس (۱۹۱/۷)

رنجه کن امروز چو ما پای خویش

گرد کن آذوقه فردای خویش^{۱۳} (۱۹۱/۸)

لانه دل افروزتر است از چمن

کار، گران سنگ‌تر است از سخن (۱۹۱/۱۰)

۳. تصاویر همت و کار مضاعف در شعر پروین

در این بخش سوم، تصاویری را که پروین، از دریچه آنها به همت و کار و تلاش نگاه کرده است، آورده‌ایم:

۳-۱. آب و آسیاب

شاعر در قصیده‌ای به نام «قائده تقدیر»، مناظرهای بین آب و آسیاب را به تصویر می‌کشد. در گفت‌وگویی که بین این دو رخ می‌دهد، آب وظیفه خود را کار کردن و تلاش می‌داند و از اینکه دیگران در نتیجه زحمت و تلاش او در رفاه و آسایشند، احساس رضایت و خرسندی دارد و خستگی به خود راه نمی‌دهد. در منظومه فکری شاعر، نظام هستی هدف‌دار است و به هر کس وظیفه‌ای سپرده شده است که در مقابل خدماتی که از دیگران دریافت می‌کند، لازم است فایده برساند تا از همراهی کاروان هستی باز نماند:

از کار خویش خستگی‌ام نیست، زان سبب

کز من همیشه باغ و چمن را گل و گیاست (۳۲۵/۳)

قدر تو آن بود که کنی آرد گندمی

ورنه به کوهسار بسی سنگ بی‌بهاست (۳۲۵/۴)

گر رنج می‌کشیم، چه غم؟ زان که خلق را

آسودگی و خوش‌دلی از آب و نان ماست (۳۲۵/۵)

آبم من، ار بخار شوم در چمن، خوش است

سنگی تو، گر که کار کنی، بشکنی، رواست (۳۲۵/۶)

۳-۲. رابطه تلاش و سعادت

پروین، سعادت را به بنایی تشبیه کرده است و سعی و کوشش را همچون معماری می‌داند که این عمارت را به غایت و سرانجام می‌رساند:

سعی کن ای کودک مهد امید

سعی تو بنا و سعادت بناست (۳۰۸/۱۲)

۳-۳. فوی وقت با کار

پروین افراد را به وقت‌شناسی در موسم کار و تلاش دعوت می‌کند. او این موضوع را در ابیات حکیمانه زیر به خوبی ترسیم می‌کند و کار را وسیله‌ای برای رفوی وقت و جبران زمان از دست‌رفته معرفی می‌کند. در آینه شفاف ذهن شاعر، پاره‌های زمان از یکدیگر، منقطع و پراکنده‌اند و چون پازلی، نیاز به وصله و اتصال دارند. هزاران سال بر عمر آدمیان گذشته است و تنها کسانی توانسته‌اند پاره‌های پراکنده زمان را یکپارچه و متصل کنند که با ملات کار و کوشش، اجزاء آن را به هم متصل کنند و به آن هویت بخشند:

کاردانان چون رفو آموختند

پاره‌های وقت بر هم دوختند (۲۷۲/۱۳)

عمر را باید رفو با کار کرد

وقت کم را با هنر بسیار کرد (۲۷۲/۱۴)

کار را از وقت چون کردی جدا

این یکی گردد تباه، آن یک هبا (۲۷۲/۱۵)

۳-۴. سعی باغبان و شادابی شکوفه‌ها

از دیگر اسوه‌های کار و تلاش در دیوان پروین اعتصامی، می‌توان از باغبانی یاد کرد که با سعی و رنج، گل‌ها و شکوفه‌ها را پرورش می‌دهد و از کار خسته نمی‌شود:

شادابی شاخ و شکوفه در باغ

هنگام گل از سعی باغبان است (۹۳/۱۶)

۳-۵. سعی و تلاش، بهترین گنج

وی بهترین سرمایه و گنج را تلاش آدمی می‌داند:

عقل و رای و عزم و همت، گنج توس

بهترین گنجور، سعی و رنج توس (۲۳۹/۱۵)

۳-۶. صدف کار

در بیت زیر، پروین در تشبیهی زیبا و ماهرانه، کار را به صدفی ارزشمند تشبیه کرده است که در آن گوهر است:

تا گهری در صدف کار بود

گوهری وقت خریدار بود (۳۳۹/۱۲)

۳-۷. کارخانه همت

پروین در بیت زیر، همت را به کارخانه‌ای تشبیه کرده است که تارهای دوک خرد را به حریر ارزشمند، تبدیل می‌کند:

هر آن گروه که پیچیده شد به دوک خرد

به کارخانه همت حریر گشت و کتان (۳۳۹/۱۸)

۳-۸. کوشش، در کاخ هنر

شاعر در تعبیری زیبا، هنر را به کاخ مانند کرده است و کوشش را در آن کاخ معرفی کرده که هر کس بخواهد وارد این کاخ شود، به‌ناچار باید از در تلاش و کوشش عبور کند:

به کوی نیک‌دلان نیست جز نکویی راه

به سوی کاخ هنر نیست غیر کوشش در (۳۵۴/۱۴)

۳-۹. کوشش در راه کمال

پروین کمال و بزرگی را به دفتری تشبیه می‌کند که اوراق آن پراکنده شده و دست یافتن به آن و مرتب کردن آن را جز از طریق کوشش و تلاش نمی‌داند:

زان پراکندنند اوراق کمال

تا به کوشش جمله را گرد آوریم (۱۳۱/۲)

۳-۱۰. نکوهش شعار دادن در ادعا و دوری از تلاش در زمان عمل

حرف بدون عمل سودی ندارد. برخی افراد فقط شعار می‌دهند و در هنگام عمل میدان را خالی می‌کنند. پروین در بیت زیر، در تشبیهی زیبا، فردی را که فقط حرف می‌زند و از عمل کردن در او اثری نیست، به طبل مانند کرده است:

روز دعوی چو طبل بانگ زدن

وقت کوشش ز کار و ماندن^{۱۴} (۳۰۱/۲)

پی‌نوشت

* دانشیار دانشگاه رازی.

** کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی.

۱. این جمله شباهت بسیار با بیتی از ناصر خسرو دارد:

در جهان دین، بر اسب دل سفر بایدت کرد

گر همی خواهی چربیدن مر تو را باید چرید (ناصر خسرو، نقل از محقق، ۱۳۶۳: ۵۹)
۲. برای اطلاع از تأثیر این مضمون در اشعار ایرج میرزا، عبید زاکانی و افسانه‌های ازوپ، نک: سبزیان‌پور، ۱۳۸۷: ۱۷۴.

۳. دهخدا (۱۳۷۰: ۱۷۴/۱) این مثل را بدون اشاره به عصای ساسان نقل کرده و به «از تو حرکت از خدا برکت» ارجاع داده است.

۴. علایم اختصاصی زیر عبارت است از «خ: خطبه»، «ک: نامه»، «ح: کلمات قصار».

۵. نقش آگاهی در عمل:

– فَإِنَّ الْعَامِلَ بغير علم كالسائر على غير طريق و العامل بالعلم كالسائر على الطريق
الواضح (خ ۶/۱۵۴ و ۷): کسی که بدون آگاهی دست به کاری یازد، به سان رونده‌ای است که در غیر مسیر سیر کند، و کسی که با آگاهی لازم کاری را انجام می‌دهد، همچون رونده‌ای است که در جاده هموار به سیر می‌پردازد.

۶. توجه به عمل و ترک آرزو:

– فبادروا العمل و کذبوا الأمل فلاحظوا الأجل (خ ۷/۱۱۴ و ۱/۸۱ و ۱۱/۴۲): به کار و کوشش مبادرت ورزید و آرزوها را باطل بشمارید و در مرگ تأمل کنید.

۷. ضرورت کار و تلاش:

– و یرجو لنفسه بأكثر من عمله (ح ۵/۱۵۰): از کسانی می‌باش که بیش از مدار کردار خود امید دارند.

صائب تبریزی:

به دوش توکل منه بار خود را

ولی نعمت خویش کن کار خود را

حساب خود اینجا کن، آسوده دل شو

می‌فکن به روز جزا کار خود را

۸. (يَا بَنِيَّ) فَاشْعَ فِي كَذْحِكَ (ک ۵۷/۳۱): (ای پسر من) نهایت کوشش را در زندگی داشته باش.

۹. و الْجِدُّ الْجِدُّ أَيُّهَا الْغَافِل (خ ۸/۱۵۳): کوشش کوشش، ای غفلت‌زده.

۱۰. عاقبت و سرانجام عمل:

– و کما تزرع تحصد و ما قدمت اليوم تقدم عليه غدا (خ ۷/۱۵۳): هر چه می‌کاری، می‌دروی و هر چه امروز پیش می‌فرستی، فردا به تو عرضه خواهد گشت.

۱۱. مَنْ طَلَبَ شَيْئًا نَالَهُ أَوْ بَعْضُهُ (ح ۳۸۶): جوینده چیزی، یا به آن یا به برخی از آن خواهد رسید.

۱۲. وَمَا عَلَى إِلَّا الْجُهْدُ (خ ۱۰/۱۷۸): وظیفه من، جز تلاش و کوشش نیست.

۱۳. أنظروا إلى النملة تجمع في حرها لبردها. (خ ۱۲/۱۸۵ و ۱۱): به مورچه بنگرید که چگونه در روزگار گرما (تابستان) به فکر روزهای سرما (زمستان) است.

سعدی:

مور گرد آورد به تابستان

تا فراغت بود زمستانش (دشتی، بی تا: ۵۳۴).

۱۴. ... فهو بالقول مدل و من العمل مقل (ح ۸/۱۵۰): ... بسیار گوی و کم کارند.

کتابنامه

– قرآن کریم.

– نهج البلاغه.

– الآبی، ابوسعید منصور بن الحسین، ۱۹۸۷، نثر الذرّ. تحقیق محمد ابراهیم عبدالرحمن و علی محمد البجاوی. الهيئة المصرية العامة للكتاب.

– ابن مسکویه، ابوعلی احمد بن محمد، بی تا، الحکمة الخالدة. تحقیق عبدالرحمان بدوی. بیروت: دار الأندلس.

– اسلامی ندوشن، محمدعلی، ۱۳۷۶، نوشته‌های بی سرنوشته: «پروین اعتصامی».

تهران

– اعتصامی، پروین، ۱۳۸۴، کلیات دیوان اختر چرخ ادب، پروین اعتصامی. به کوشش حسن برازان. با مقدمه ملک الشعراء بهار. چاپ اول، انتشارات سنبله.

– باقری، زهره، ۱۳۸۸، بررسی تأثیر فرهنگ عربی - اسلامی بر اشعار پروین اعتصامی، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه رازی، زمستان ۱۳۸۸

– برازان، حسن، ۱۳۸۴، مقدمه بر کلیات دیوان اختر چرخ ادب، پروین اعتصامی. با مقدمه ملک الشعراء بهار. چاپ اول، انتشارات سنبله.

– البیهقی، ابراهیم بن محمد، ۱۳۹۰، المحاسن و المساوی. بیروت: دار الصادر.

– الجاحظ، عمر بن بحر، ۱۹۸۳، الأمل و المأمول. تحقیق محمد رضا ششن. الطبعة الثانية، دار الكتاب الجديد.

– الحریری، ۱۳۹۸/ق ۱۳۹۸م، مقالات الحریری. دار بیروت للطباعة و النشر.

– دشتی، محمد، بی تا، معارف نهج البلاغه در شعر شاعران. چاپ دوم، مؤسسه تحقیقاتی امیرالمؤمنین^(ع)، چاپخانه دانش.

– دهخدا، علی اکبر، ۱۳۷۰، امثال و حکم. چاپ ششم، تهران: امیرکبیر.

– دیانت، عبدالله، ۱۳۸۳، «پروین اعتصامی». دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، ج ۱۳، صص ۶۱۱-۶۱۸.

– زرین کوب، عبدالحسین، ۱۳۷۲، با کاروان حله تهران

– الزمخشری، ابوالقاسم محمود بن عمر، ۱۴۱۲ق، ربيع الأبرار و نصوص الأخبار.

– تحقیق عبدالأمیر مهنا. بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات.

– سبزیان‌پور، وحید، ۱۳۸۷، «مضامین شعر و ادب عربی در دیوان ایرج میرزا».

– فصلنامه علمی و پژوهشی کوش نامه، سال نهم، شماره ۱۷، صص ۱۵۴-۲۰۸.

– ۱۳۸۴، «مضامین قرآن در شعر پروین اعتصامی». فصلنامه علمی

– پژوهشی پژوهش دینی، شماره ۱۰، صص ۱۶۱-۱۸۶.

– فروزانفر، بدیع الزمان، ۱۳۸۵، احادیث و قصص مثنوی. ترجمه و تنظیم حسین داوودی. تهران: امیرکبیر.

– محقق، مهدی، ۱۳۶۳، تحلیل اشعار ناصر خسرو. تهران: دانشگاه تهران.

– یوسفی، غلامحسین، ۱۳۶۹، چشمه روشن: دیداری با شاعران. تهران.

– الیوسی، ۱۹۸۱، زهر الأكیم. تحقیق محمد حجی و محمد الأخضر، الدار البيضاء، دار الثقافة.